


بازنمایی «عبادت» از منظر اهل بیت علیهم السلام

با تأکید بر چیستی و بایستگی آن

کلیه رسول چگینی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

rsl.chegini@yahoo.com

ftm.shokri@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-8661-6580

فاطمه شکری / طلبه سطح ۳ حوزه علمیه جامعه الزهراء علیها السلام

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

چکیده

عبادت یکی از نیازهای فطری بشر است که شناخت نادرست آن، انسان را به پرستش معبودهای غیرحقیقی یا انجام عبادات بی‌محتوا و باطل وامی‌دارد. اهل بیت علیهم السلام به‌عنوان سرآمدان معرفت و عبادت، شناخت کاملی از این گرایش باطنی انسان ارائه کرده‌اند که این مقاله به منظور دستیابی به ماهیت عبادت، روایات ایشان را کاویده است. از منظر اهل بیت علیهم السلام عبادت برترین گرایش عقلی انسان است که از معرفت سرچشمه گرفته و ایمان را به ارمغان می‌آورد. مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده عبادت، خضوع و اطاعت، و قصد و نیت است. بایسته‌های عبادت در سه حوزه صحت، قبول و کمال پی‌جویی می‌شود. در منظومه معرفتی اهل بیت علیهم السلام، مطابقت با کتاب و سنت، شرط صحت عبادت است. قبولی عبادت وابسته به وجود اخلاص و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام است. شرط کمال عبادت نیز در دو ساحت ظاهری و باطنی قابل رهگیری است که اموری همچون مداومت بر عبادت، میانه‌روی در عبادت، مراعات قوای جسمانی و عدم تعارض با معیشت در بخش ظاهری، و خشوع و سکینه و خفا و عشق و بزرگ‌شمردن عبادت در بخش باطنی موجب کمال عبادت خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: عبادت، پرستش، خضوع، شروط عبادت، نیت، ولایت.

یکی از نیازهای روحی و فطری بشر گرایش به پرستش آفریدگار هستی است. «پرستش» حالتی است که انسان از ناحیه باطنی به کرنش و ابراز نیاز در برابر موجودی برتر روی می‌آورد. گرایش به پرستش معبود، جایگاهی رفیع در میان گرایش‌های فطری انسان به خود اختصاص داده و به همین سبب در طول تاریخ، انسان همواره برای پاسخ‌گویی به این حس درونی، معبودهای گوناگونی را عبادت کرده است.

عبادت پروردگار که هدف آفرینش انسان به شمار آمده، دارای آداب و احکام و شروطی است که به تقویت بعد روحانی کمک می‌کند و در جهت تکامل آدمی در مسیر بندگی وضع شده است. هرچه انسان در مسیر عبادت خدا گام بردارد، نزد خداوند محبوب‌تر و با ارزش‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، عبادت به معیار ارزش‌گذاری مخلوقات تبدیل شده است. بدین‌روی لازم است نسبت به شناخت مفهوم عبادت و آداب و احکام آن، دقت بیشتری انجام گیرد.

اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام که سرآمدان عبادت و معرفت خدا شناخته می‌شوند، تعبیر دقیق و روشنی درباره چپستی و کارایی عبادت بیان کرده‌اند تا از انحراف و کجروی در این مسیر جلوگیری کنند؛ زیرا اندک لغزشی در تعیین مصداق یا تشخیص معبود و یا نحوه اجرای عبادت، انسان را از وادی توحید و عبودیت، به سراب شرک و نخوت سرازیر می‌کند.

این مقاله توصیفی - تحلیلی با روش کتابخانه‌ای به گردآوری، موضوع‌یابی و دسته‌بندی روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در حوزه عبادت پرداخته است. تلاش نگارندگان پابندی به متن روایات و پرهیز از راه دادن تحلیل‌ها و برداشت‌های غیرمعصومانه است. همچنین از بیان روایات عمومی که نامی از عبادت در آنها نیامده، اجتناب شده است، اگرچه در مواردی، از ذکر مطالب عمومی - که عبادت نیز یکی از مصادیق مقصود ائمه اطهار علیهم‌السلام است - گریزی نداشته؛ مانند روایاتی که شروط پذیرش اعمال را ذکر کرده‌اند که احراز این شروط را برای پذیرش عبادت نیز ثابت می‌دارند.

این پژوهش در بخش اول، پس از معرفی جایگاه، فلسفه، آفات و مصادیق عبادت از منظر اهل‌بیت علیهم‌السلام، به چپستی عبادت پرداخته است. در این بخش، عناصر اصلی تشکیل‌دهنده عبادت از دل روایات استخراج گردیده و میزان مطابقت آن با تعریف لغت‌دانان آشکار شده است. بخش دوم بایسته‌های عبادت را موضوع مطالعه قرار داده و با تقسیم این شروط به شرط صحت، قبول و کمال، اموری را که در پذیرش ظاهری و واقعی عبادت مدنظر اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده نمایان ساخته است.

مقاله پیش‌رو بازنمایی چپستی و بایسته‌های عبادت از منظر اهل‌بیت علیهم‌السلام را مطرح‌نظر قرار داده و البته در این مسیر از بیان برخی مسائل پیرامونی (از قبیل فلسفه، آفات و مصادیق عبادت) غافل نبوده است.

تاکنون نوشته‌های سودمندی درباره عبادت به رشته تحریر درآمده است؛ اما کمتر می‌توان به اثری که ماهیت و شرایط عبادت را از منظر اهل‌بیت علیهم‌السلام کاویده باشد، دست یافت. بیشتر تألیفات در این حوزه، عبادت را از منظر قرآن و عترت بررسی کرده‌اند و به چپستی و بایستگی عبادت نپرداخته‌اند. از این‌رو نوشته پیش‌رو دارای نوآوری‌های درخور نگرشی است.

۱. مفهوم‌شناسی «عبادت»

با توجه به اینکه بررسی معنای لغوی، علمی ویژه اهل لغت است، بنابراین، در این بخش باید به سراغ لغت‌شناسان رفت و معنای لغوی «عبادت» را از آثار آنها پی‌جو شد.

«عبادت» از واژه «عبد» مشتق شده است. لغت‌شناسان معانی متفاوت، ولی نزدیک به هم برای عبادت ذکر کرده‌اند. مجموع مطالبی که برای عبادت ذکر کرده‌اند، در این سه معنا خلاصه می‌شود:

۱. «عبادت» به معنای خضوع و فروتنی (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۰۳؛ ابن‌فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۲۰۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۲)؛

۲. «عبادت» به معنای طاعت و فرمان‌پذیری (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۹۶)؛

۳. «عبادت» به معنای طاعت همراه با خضوع (ازهری، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۱۳۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۷۳؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۳۰).

در مجموع، «عبادت» در لغت، همان خضوع، فروتنی و اطاعت است.

اگرچه توقعی برای ذکر معنای لغوی عبادت در روایات وجود ندارد، اما با توجه به معنای اصطلاحی که برای «عبادت» ذکر شده، می‌توان به وام‌داری آن از معنای لغوی پی برد. به همین منظور، به سراغ ماهیت عبادت از منظر اهل بیت علیهم‌السلام می‌رویم.

۲. عبادت از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام

«عبادت» از مهم‌ترین اهداف آفرینش مخلوقات است که قرآن مجید آن را بازگو کرده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز جایگاه والایی برای عبادت در منظومه اعتقادی و رفتاری مؤمنان در نظر گرفته شده است. در این روایات، عبادت به‌مثابه برترین گرایش‌های عقل بیان شده (مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ص ۲۴۴) که سرچشمه آن معرفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۱۵۸) و ثمره آن ایمان (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۹)، ورود به بهشت (کراچکی، ۱۳۹۴ق، ص ۲۳) و نزدیکی به خداوند (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۴۸۱) است. فلسفه عبادت اقرار به ربوبیت آفریدگار (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۱۴) و وسیله‌ای برای تقرب به اوست (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۶۸) که شایسته نیست جز برای خالق هستی (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۹۷) و فریادرس حقیقی (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۳۱) به جای آورده شود.

البته عبید از ترس خداوند آن را به جای می‌آورند، و تجار به دنبال پاداش هستند و أحرار به منظور شکرگزاری و ابراز محبت، پیشانی بر آستان باری تعالی می‌سایند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۴)؛ اما بندگان برگزیده خداوند، چون او را شایسته عبادت یافته‌اند، دل در گرو پرستش معبود نهاده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۴). بر این اساس، ترک عبادات کبیره با ارتکاب گناهان کبیره، خارج‌کننده انسان از دایره ایمان است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۹).

آفاتی نیز برای عبادت نام برده شده که توجه به آنها برای سالم ماندن عبادت لازم است. این آفات را می‌توان به دو قسم «باطنی» و «ظاهری» تقسیم کرد. مهم‌ترین آفت باطنی عبادت ریا (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۸۲) و شهرت‌طلبی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۴۹) است. البته از سوء ظن نیز به‌مثابه امری که عبادت را فاسد می‌کند، نام برده شده است (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۹۹). به عنوان آفت ظاهری نیز می‌توان به ضعف و سستی اشاره کرد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷).

۱-۲. اقسام عبادات

بیشتر مصادیقی که در روایات به‌عنوان عبادت ذکر شده است، را می‌توان در دو قسم «جوانحی» و «جوارحی» جای داد:

۱-۲. جوانحی

عباداتی است که با فکر و قلب انسان انجام می‌شود و بر دو قسم است: در برخی از عبادات، خداوند متعلق آن عبادت است؛ مانند «معرفت به خدا» که از این قسم به «ذاتی» یاد می‌شود. در برخی دیگر، خداوند غایت آن عمل عبادی در نظر گرفته می‌شود؛ مانند ایثار برای خدا و در این نوشته با عنوان «غایی» مطرح می‌گردد. در ادامه به مصادیق این دو قسم اشاره می‌شود:

الف. ذاتی

مانند علم (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۹۱)، معرفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۷۶)، تفکر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۰)، یقین (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۵۱)، اخلاص (ورامین ابی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۹)، خوف (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۹)، خشوع (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۵۳۱)، و حسن ظن (ابن‌ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۷) که این همه به شرط وابسته بودن به خداوند عبادت محسوب می‌شوند؛ مانند علم و تفکر و یقین به خدا، اخلاص برای خدا، خوف و خشوع از خدا، و حسن ظن به خدا.

ب. غایی

مانند تواضع (مفید، ۱۴۱۳ق - ب، ص ۲۲۱)، زهد (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۱۳)، جود و سخا (همان، ص ۵۳ و ۳۳)، انتظار فرج (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۸۷)، صبر (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۳۳۶)، صمت (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۶)، عزلت (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۵۷)، ایثار (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۲۹)، عفت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۹)، تفقه (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ص ۳۰)، طلب حلال (همان، ج ۵، ص ۷۸)، کسب علم (خلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۴)، دوری از گناه (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۵۳)، ورع (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۷)، غلبه بر عادات ناپسند (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۱۳)، وقار و مودت (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۱۶). اینها افعالی هستند که ممکن است متعلق آن غیر خداوند باشد، اما انگیزه غایی انجام آن به جلب رضای خداوند

بازمی‌گردد؛ مانند تواضع در برابر والدین، جود و سخا نسبت به فقیر، انتظار فرج، و صبر بر مصیبت که همه اینها به انگیزه اطاعت از دستورات الهی و تقرب به خداوند انجام می‌گیرد.

اگرچه این عبادات با عمل جوارحی آمیخته شده، اما اصل عبادت که تواضع، زهد، جود و سخا، انتظار فرج و مانند آن باشد، عمل جوارحی است که به شکل فعل جوارحی هویدا گشته است. اگر نمایان شدن این عبادات در افعال خارجی موجب خارج شدن آنها از افعال جوارحی گردد، باید عبادات جوارحی ذاتی (مانند علم و تفکر و خشوع) را نیز از این قسم خارج دانست؛ زیرا این عبادات قلبی نیز در افعال ظاهری متبلور می‌شوند.

۲-۱-۲. جوارحی

عباداتی است که با اعضا و جوارح انجام می‌شود و به دو قسم تقسیم می‌گردد:

الف. عبادات محضه

مراد عباداتی است که شارع مقدس آنها را به‌عنوان عمل عبادی تشریح کرده است و در حالتی غیر از انجام عبادت، واقع نمی‌شود؛ مانند: نماز (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۰۴)، روزه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۴)، وضو (همان، ج ۳، ص ۶۹)، دعا (همان، ج ۲، ص ۴۶۷)، ذکر (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۵)، تهلیل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۶)، استغفار (ابن‌اشعث کوفی، بی‌تا، ص ۲۲۸)، شب‌زنده‌داری (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۱۲)، گریه از خوف خدا (همان، ص ۵۳)، و یاد مرگ (شعیری، بی‌تا، ص ۱۶۵).

ب. عبادات غیر محضه

مراد افعالی است که به‌عنوان عبادت متعین تشریح نشده، اما می‌توان آنها را با قصد عبادت انجام داد. در این بخش می‌توان به روایاتی استناد کرد که همه امور انسان را در صورت انجام با انگیزه خدایی، عبادت دانسته‌اند. غیر از این عمومات، تمام مصادیقی که به‌عنوان عبادت معرفی شده‌اند، در این قسم جای می‌گیرند؛ مانند: اظهار سلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۴)، ازدواج (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۷۵)، تقیه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۴۲۱)، انجام واجبات (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۸) و عمل به آنها (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۲۴)، اهتمام به امر اهل‌بیت علیهم‌السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۶)، ذکر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام (مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ص ۲۲۴)، نگاه به امیرمؤمنان علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۰) و اهل‌بیت علیهم‌السلام (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۰۵) و ذریه اهل‌بیت علیهم‌السلام (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۵۲) و عالم (راوندی، بی‌تا، ص ۱۱) و حاکم عادل (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵۴) و والدین و قرآن و کعبه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰۴) و صورت برادر مؤمن (ابن‌اشعث کوفی، بی‌تا، ص ۱۹۴) و دریا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۳۶۸)، جلوس در مسجد کوفه (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۹)، جلوس در مسجد به انتظار نماز (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷)، خدمت شایسته به والدین (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۷۰) و برادران مؤمن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۱۸)، و خوابیدن مؤمن در حال بیماری (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۴۶).

۳. چیستی عبادت

با نگاهی به روایات اهل بیت علیهم السلام، می‌توان ماهیت عبادت را بر دو رکن استوار دانست: اول. خضوع و اطاعت؛ دوم. عقیده و نیت. در ادامه به توضیح این دو رکن می‌پردازیم:

۳-۱. خضوع و اطاعت

روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام وجود دارد که با مطالعه آنها می‌توان به ماهیت عبادت پی برد. در این روایات، بر عناصری از قبیل «خضوع»، «اطاعت» و «نیت» تأکید شده که کاملاً همسو با معنای لغوی عبادت است. در ادامه به مهم‌ترین عناصری اشاره می‌کنیم که در روایات برای ماهیت عبادت ذکر شده است:

۳-۱-۱. خضوع و خشوع

امام صادق علیه السلام بن‌مایه همه شکرگزاری‌ها را نیازمندی به خداوند و خضوع و خشوع نزد باری تعالی معرفی کرده‌اند (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲). امام رضا علیه السلام نیز خضوع و خشوع را لازمه عباداتی مانند نماز دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷ ص ۶۸).

درباره معنای «خضوع» می‌توان به روایاتی استناد کرد که به مصادیق یا اضداد خضوع اشاره نموده‌اند. برای نمونه، امام باقر علیه السلام خضوع را «استکانت = تسلیم شدن» معنا کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۰) و امام صادق علیه السلام در روایت معروف «جنود عقل و جهل»، آن را ضد گردنکشی و اظهار قدرت دانسته‌اند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۹۷). بدین‌رو می‌توان «خضوع» را فروتنی و تذلل معنا کرد.

همچنین از روایات به‌دست می‌آید که تفاوت میان «خضوع» با «خشوع» این است که «خشوع» در قلب انسان محقق می‌شود و «خضوع» در ارکان ظاهری انسان هویدا می‌گردد (صدوق، ۱۳۷۶ق، ص ۳۵۷). برخی لغت‌دانان نیز این تفاوت را گوشزد کرده‌اند (ابوهلال عسکری، بی‌تا، ص ۲۴۹). از یادکرد سجده به‌مثابه مصداق «خضوع» نیز می‌توان به نمود ظاهری خضوع پی برد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۲).

در روایات زیادی، «خضوع» و «خشوع» در کنار عباداتی از قبیل رکوع و سجود ذکر شده (طبری آملی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۲۸؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۶) و گویای آن است که ماهیت عبادات، آمیخته با «خضوع» و «خشوع» است. البته هم‌ردیف شدن عبادت با «خضوع» این نکته را می‌رساند که «خضوع» معنای عامی دارد که نماز تنها یکی از مصادیق آن است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۳۵۵).

۳-۱-۲. تعظیم و تواضع

عنصر دیگری که در روایات اهل بیت علیهم السلام برای عبادت در نظر گرفته شده، «تعظیم و تواضع» است. امام حسن عسکری علیه السلام به یکی از احتجاجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشرکان اشاره نموده که در آنجا، رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرکان را به خاطر عبادت اصنام مؤاخذه کردند. در این احتجاج، حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله «تعظیم» را در کنار «خضوع» و «خشوع» از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عبادت معرفی کردند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۵).

«تواضع» نیز از درگاه‌های اصلی عبادت برشمرده شده است، به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام فرمودند: «لیس لله عزوجل - عبادَةٌ یَقْبَلُهَا وِیَرُضَاهَا إِلَّا وِ بَأْیَاهَا التَّوَاضِعُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۱۲۱). در این بیان، «تواضع» مزرعه خضوع و خشوع نامیده شده است که آنها جز در این بستر سر بر نمی‌آورند (همان).

به نظر می‌رسد تفکیک میان تواضع و تعظیم با خضوع و خشوع در آن است که «تواضع» و «تعظیم» از افعالی هستند که با پایبندی به آنها، خضوع و خشوع حاصل می‌شود. در واقع، خضوع و خشوع اموری باطنی هستند که ثمره تواضع و تعظیم به‌شمار می‌روند. با توجه به تقارب معنایی که میان تواضع، تعظیم، خضوع و خشوع وجود دارد و همچنین به سبب استخدام واژه «خضوع» برای تعریف لغوی «عبادت»، در تعریف اصطلاحی «عبادت» تنها بر واژه «خضوع» تأکید می‌شود که دربردارنده همه اقسام دیگر آن است.

۳-۳-۳. اطاعت

«اطاعت» از مهم‌ترین مفاهیمی است که در ماهیت عبادت جای دارد، به گونه‌ای که در برخی روایات، از اطاعت به‌مثابه غایت عبادت نام برده شده است (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۳۴۹). البته روایات دیگری که غایت عبادت را عقل دانسته است (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۰)، بر این نکته تأکید می‌کنند که اطاعت برخاسته از آگاهی و تعقل، مقصود عبادت است.

در سه حدیث جداگانه، امام صادق علیه السلام در پاسخ به درخواست اصحاب برای بیان تعریف «عبادت» فرمودند: «حَسَنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۵ و ۸۳؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴۰)؛ نیت نیکو با پیروی کردن است. این عبارت بیانگر آن است که عبادت با اطاعت و نیت محقق می‌شود. بر این اساس، «اطاعت» به‌مثابه ماهیت عبادت و «نیت» جزو ارکان عبادت به‌شمار آمده است؛ یعنی «اطاعت» عبادتی است وابسته به وجود «نیت» آن، و اگر این رکن وجود نداشته باشد، عبادت محقق نشده است. مباحث مربوط به نیت در بخش بعدی به صورت مبسوط ذکر می‌شود.

تعریف «عبادت» به طاعت، بیشتر در تفسیر آیاتی که ناظر به عبادت غیر خداست، وجود دارد. امام باقر علیه السلام اجتناب از عبادت طاغوت را که در آیه «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا» (زمر: ۱۷) به آن اشاره شده، به معنای اجتناب از اطاعت طاغوت دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲۹). ایشان در تفسیر آیه «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف: ۱۰۶)، علت مشرک خطاب شدن عده‌ای را که ادعای ایمان به خدا دارند، شرک اطاعت آنها بیان نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۱۴).

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» (مریم: ۸۱ و ۸۲)، «عبادت» مشارالیه در این آیه را به معنای «اطاعت» بیان کرده‌اند. حضرت می‌فرمایند: «عبادت تنها سجود و رکوع نیست، بلکه "عبادت" به معنای اطاعت از مردمان است. کسی که از

مخلوقی در معصیت خالق اطاعت کند، به تحقیق او را عبادت کرده است» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۶). از این عبارت فهمیده می‌شود که یکی از علل شرک مشرکان این بوده که آنها از کسانی که هیچ حجت و دلیلی بر لزوم اطاعت از آنها وجود نداشت، به صورت مستقل پیروی می‌کردند.

شبیبه به این معنا، در ماجرای سخن گفتن حضرت عیسی علیه السلام با اموات یک قریه بازگو شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی حضرت عیسی علیه السلام با اصحاب خود از قریه‌ای عبور می‌کردند که جنازه همه افراد آن قریه در خانه‌ها و راه‌ها افتاده بود. اصحاب از حضرت عیسی علیه السلام خواستند که علت این مرگ فجیع را از اموات بپرسند. وقتی حضرت عیسی علیه السلام با آنها سخن گفت، یکی از مردگان پاسخ داد: به خاطر حب دنیا و عبادت طاغوت، خشم الهی ما را دربر گرفت. او در بیان چگونگی عبادت طاغوت گفت: «طاغوت دستور می‌داد و ما اطاعت می‌کردیم» (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۶۷).

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که اهل کتاب چگونه احبار و رهبان خود را به‌عنوان ارباب برگزیده بودند، فرمودند: «احبار و رهبان هرگز مردم را به عبادت خودشان دعوت نمی‌کردند؛ زیرا اگر این کار را انجام می‌دادند، هرگز مردم آنها را اجابت نمی‌کردند؛ اما آنها حلال الهی را حرام و حرام الهی را حلال می‌کردند و مردم از جهتی که نمی‌دانستند، آنها را عبادت می‌کردند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳). بنابراین، اطاعت بی‌چون و چرا نوعی عبادت به‌شمار می‌آید.

البته نباید از نظر دور داشت که اطاعت به‌تنهایی نمی‌تواند نشانه عبادت باشد؛ زیرا در این صورت، امور فراوانی (مانند اطاعت بی‌چون و چرا از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام) عبادت ایشان محسوب می‌شود، بلکه اطاعت مدنظر در این آیات و روایات، اطاعت برخاسته از عقیده به استقلال مطاع است.

توضیح آنکه در قرآن مجید، اهل کتاب به سبب آنکه احبار و رهبان خود را به‌مثابه «ارباباً من دون الله» برگزیدند، مشرک معرفی شدند؛ مانند آیه «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ بَنَ مَرْيَمَ وَ مَأْمُرًا إِلَّا لِيُعْبَدُوا إِلَهًا وَ أَحَدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۱)؛ آنها دانشمندان و راهبان خویش و (همچنین) مسیح فرزند مریم را را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتایی را که معبودی جز او نیست، بپرستند. او پاک و منزّه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند.

علت مشرک بودن اهل کتاب قرار دادن بزرگان خود به جای خداوند است. براساس روایاتی که گذشت، جاگذاری احبار و رهبان به جای خدا، به معنای پرستش آنها با انجام امور عبادی مانند سجده و ذبح عبادت نیست، بلکه اهل کتاب، احبار و رهبان را در تشریح و قانون‌گذاری در جایگاه خداوند قرار داده بودند و از آنها اطاعت می‌کردند؛ بدین صورت که به همه اوامر و دستورات بزرگان خود عمل می‌کردند و حکم آنان را به‌مثابه حکم خدا می‌دانستند. به این علت، خداوند عمل آنها را شرک دانسته است.

بنابراین، اطاعت از این افراد با عقیده به استقلال آنها در تشریح بوده است؛ زیرا در غیر این صورت، اگر اهل کتاب نگاه استقلالی به بزرگان خود نمی کردند، معنا نداشت که خداوند آنها را مشرک خطاب کند؛ زیرا «مشرک» کسی است که شخصی یا چیزی را مانند خداوند و در کنار خدا در نظر داشته باشد.

امام حسن عسکری علیه السلام «عبادت» در آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد: ۵) را به معنای اطاعت همراه با تذلل و خضوع تفسیر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷ ص ۲۱۶). آن حضرت در بیان ماجرای بنی اسرائیل که حضرت موسی علیه السلام، کوه طور را بر بالای سر آنها برافراشت و از آنها میثاق گرفت (بقره: ۹۳) فرمودند: «وقتی کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل قرار گرفت، جز عده‌ای که خداوند آنان را از دشمنی حفظ کرد، سایرین با نارضایتی قبول کردند و همگی سجده کردند، اما سجده بسیاری از آنها با اراده خضوع برای خداوند نبود، بلکه از ترس افتادن آن کوه بود، و عده‌ای از روی اطاعت و اختیار سجده کردند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۲۳۸).

در این عبارت، دو شرط برای صحت سجده نام برده شده است: اول. اراده خضوع؛ دوم. اطاعت و اختیار. بنابراین فهمیده می‌شود: «خضوع» و «اطاعت» ماهیت تشکیل دهنده عبادت هستند.

در برخی روایات نقل شده است: همان‌گونه که سجده رساترین حالتی است که خضوع و تواضع انسان را به نمایش می‌گذارد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۲)، اطاعت نیز از برجسته‌ترین مصادیق خضوع است (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۴۹۴). بنابراین، اطاعت چون بیانگر حالتی از خضوع است، عبادت به‌شمار می‌رود. در نتیجه، «خضوع» و «تعظیم» مهم‌ترین عنصر سازنده عبادت به‌شمار می‌روند که در قامت اطاعت نیز جلوه‌گر می‌شوند و این همه در صورتی که همراه با قصد و نیت باشند، عبادت به‌شمار می‌روند.

۲-۳. قصد و نیت

«نیت» یکی از ارکان اصلی عبادت است که تفکیک‌کننده میان یک عمل عبادی از غیرعبادی یا عبادت‌گزار از غیر عبادت‌گزار است. در روایات اهل بیت علیهم السلام تأکیدهای فراوانی بر اهمیت نیت در اعمال وجود دارد. هرچند بیشتر این روایات عام است و در مقام بیان «لزوم نیت در همه اعمال»، اما می‌توان از آنها در حوزه عبادت نیز استفاده کرد.

عبارات گوناگون، ولی همگونی در روایات اهل بیت علیهم السلام بر اهمیت قصد و نیت برای پذیرش عبادات به چشم می‌خورد. از این نمونه، می‌توان به روایاتی اشاره کرد که در آنها بر نقش نیت در پذیرش اعمال تأکید شده است. در این زمینه روایت مشهور نبوی «انما الاعمال بالنیات و لكل امرء ما نوى» تعیین‌کننده است.

امام رضا علیه السلام با ذکر سلسله سند، به نقل از اجداد طاهری‌نشان این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۱۸). بر این اساس، معیار پذیرش هر عملی «نیت» است.

چنین مفهومی در دیگر سخنان اهل بیت علیهم السلام نیز منعکس شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام «نیت» را اساس عمل دانسته‌اند (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۲۹) که فقدان آن موجب از بین رفتن عمل می‌شود (همان، ص ۵۳۹). در این نگاه، عمل - در حقیقت - ثمره نیت شناخته شده است (همان، ص ۱۹).

امام سجاد^{علیه السلام} نیز اظهار داشته‌اند که «هیچ عملی بدون نیت، پذیرفته نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۴). در این سامانه معرفتی، ارزشگذاری اعمال وابسته به نیت آن است (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۳۷۱) و ارزشمندی نیت به میزانی است که اگر کسی قصد انجام عمل خیری داشته باشد، ولی شرایط انجام آن را نداشته باشد، مأجور است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۵). بر این منوال است که افرادی در بهشت یا جهنم جاودان خواهند بود؛ زیرا اگر دنیا جاودانه بود، اهل جهنم در این نیت بودند که همواره به معصیت خدا بپردازند و اهل بهشت در فکر اطاعت خدا بودند (همان).

بهترین حدیثی که بر نقش نیت در عبادت تصریح دارد، عبارتی است که امام صادق^{علیه السلام} در تعریف «عبادت» بیان فرموده‌اند. حضرت این عبارت را در سه موضع گوناگون ابراز کرده‌اند. در این احادیث، عبادت با عبارت «حُسن النیة بالطاعة» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۵ و ۸۳؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴۰) تعریف شده است. این بدان معناست که عبادت دو رکن اساسی دارد: اول. اطاعت و دوم. نیت. اطاعت بیانگر ماهیت عبادت است - که در بخش پیشین توضیحات مربوط به آن ارائه شد - اما حسن نیت بیانگر شرط پذیرفته شدن عبادت است؛ یعنی تا زمانی که نیت یک عمل، عبادی نباشد، هرگز نمی‌توان آن عمل را در زمره عبادات جای داد.

۴. بایسته‌های عبادت

«بایسته‌های عبادت» اعمالی هستند که تدارک آنها برای تحقق یا کمال عبادت لازم است. اهل بیت^{علیهم السلام} با بیان این اعمال، شروط انجام عبادات را بیان نموده‌اند. این شروط را می‌توان در دو مقام «فعل» و «فاعل» گردآوری کرد. مراد از «فعل» نفس عبادت بدون لحاظ عبادت‌کننده است؛ مانند نماز. شروط «فاعل» مربوط به کسی است که عبادتی را به جای می‌آورد؛ مانند نماز خواندن مسلمان.

در مجموع، می‌توان شروط فوق را به سه قسم شرط «صحت»، «قبول» و «کمال» تقسیم کرد. «شرط صحت» به معنای آن است که عبادت بودن یک عمل، مشروط به ایفای آن شرط است. «شرط قبول» کاری است که تدارک آن برای انجام‌دهنده عبادت لازم است تا فعل او به‌عنوان عبادت مشروع پذیرفته شود. بر این اساس تفاوت «شرط صحت» با «شرط قبول»، تنها از جهت تعلق عبادت است، وگرنه هر دو شرط مربوط به پذیرش یک عمل است.

«شرط کمال» به کاری گفته می‌شود که موجب ارزش والاتر و محتوای بهتر و تأثیر بیشتر عبادات است. معلوم است که شرط صحت وابسته به فعل است و شرط قبول و کمال مربوط به فاعل عبادت. با عنایت به این تقسیم، به سراغ شروط و بایسته‌های عبادت می‌رویم.

۱-۴. شرط صحت عبادت

از منظر اهل بیت علیهم السلام شرط صحت عبادت «مطابقت با شریعت» است؛ بدین معنی که در صورتی می‌توان یک فعل را عبادت دانست که از جانب شارع وضع شده باشد.

امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «برای هر عبادتی نشاطی است که آن نشاط به سستی تبدیل می‌شود. پس کسی که نشاط عبادتش را با سنت من گره بزند او حتماً هدایت‌یافته است، و کسی که با سنت من مخالفت کند، او گمراه شده و عملش در تباهی است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۵).

روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که به صورت عام، «مطابقت با قرآن» را شرط پذیرش اعمال معرفی کرده‌اند. برای نمونه امام صادق علیه السلام از جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «برای هر حقی حقیقتی است و بر فراز هر صوابی پرتوی درخشان. به آنچه با کتاب خدا موافق است عمل کنید، و آنچه را مخالف کتاب خداست رها سازید» (همان، ج ۱، ص ۶۹).

امام سجاده علیه السلام نیز برترین اعمال را عمل به سنت دانسته‌اند (همان، ج ۱، ص ۷۰). بنابراین شرط تحقق صحیح هر عبادتی، مطابقت آن با کتاب و سنت است.

۲-۴. شرط قبول عبادت

شرط قبول عبادت وابسته به فاعل عبادت است. بنابراین از واکاوای کلمات نورانی اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید که شروط قبول عبادت اموری هستند که پذیرش عبادت در بارگاه پروردگار ممان وابسته به تدارک آنهاست. مهم‌ترین شروطی که می‌توان در این بخش نام برد، «اخلاص» و «ولایت» است.

۱-۲-۴. اخلاص

«خلوص نیت» یعنی: عبادت را تنها برای خدا انجام دادن. آیات و روایات فراوانی بیانگر این حقیقت هستند که محور قبولی عمل «اخلاص» است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «قبول نمی‌شود از عمل تو، مگر آنچه را در آن اخلاص داشته باشی» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۵). امام باقر علیه السلام به جای آوردن حق عبادت را تنها در گرو اخلاص در عبادت بیان کرده‌اند (ورامین ابی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۸).

امام رضا علیه السلام این وعده رسول‌الله صلی الله علیه و آله را گزارش کرده‌اند که «پابندی بر اخلاص، چشمه‌های حکمت را از عمق جان انسان بر زبان او جاری می‌سازد» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۶۹). امام صادق علیه السلام نشانه قبولی یک عمل را اخلاص در آن دانسته‌اند (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۳۶) و به این حدیث قدسی اشاره کرده‌اند که «خداوند عمل کسی که غیر خدا را در آن شریک کرده، نمی‌پذیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۹۵).

آن حضرت سفارش کرده‌اند که «در هر حرکت و سکون، نیت خالص را از یاد نبرید که در غیر این صورت، از غافلان خواهید بود» (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۵۳). امام رضا علیه السلام نیز از جدشان امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده‌اند: «کسی که عبادت خود را مخلصانه به جای آورد، سعادت‌مند خواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶).

آنچه از روایات اهل بیت علیهم السلام به دست می آید اینکه اخلاص ثمره «یقین» است (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۳۳) و سهم ویژه‌ای برای یقین در پذیرش اعمال در نظر گرفته شده است، به گونه‌ای که کامل کننده عبادت یقین است (همان، ص ۱۸۷) و هیچ عبادتی بدون یقین پذیرفته نیست (ابن اشعث کوفی، بی تا، ص ۱۵۰).

بنابراین، اموری که به افزایش یقین کمک می‌کند، در تحصیل اخلاص اثرگذار است. از این رو برترین عبادت، «تفکر درباره خداوند» معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵) که بی آن، هیچ خیرری در عبادت نیست (همان، ج ۱، ص ۳۶).

برخی روایات دیگر مفاهیمی از قبیل «معرفت»، «علم» و «تفقه» را برای عبادت لازم دانسته که در جهت تأکید بر تحصیل اخلاص در عبادت تفسیر می‌شوند؛ مانند روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله که سرآغاز عبادت را «معرفت خداوند» معرفی کرده (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۱)، و امام سجاده علیه السلام عبادت را تنها با وجود «تفقه» صحیح دانسته‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۷).

۲-۲-۴. ولایت

وابستگی ایمان به قبول «ولایت اهل بیت علیهم السلام» از مهم‌ترین مفاهیمی است که سهم درخور توجهی از روایات این باب را به خود اختصاص داده است. در این مجموعه می‌توان از روایاتی که شرط ورود در پناهگاه ایمنی بخش خداوند را ولایت اهل بیت علیهم السلام معرفی کرده (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۵)، تا روایاتی که ولایت را مهم‌ترین رکن از ارکان پنجگانه اسلام دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸)، نام برد. البته روایاتی نیز به‌ویژه درباره پیوند میان پذیرش عبادت با قبول ولایت وجود دارد.

علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق) بابی را با عنوان «اعمال پذیرفته نمی‌شوند، مگر با ولایت» به این موضوع اختصاص داده و مدعی است که این مفهوم از روایات متواتر میان عامه و خاصه به دست می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۱۶۶). ایشان به ۷۱ حدیث در این موضوع اشاره کرده است. برای نمونه، به نقل از *الأملی شیخ صدوق* (م ۳۸۲ق) این سخن امام صادق علیه السلام را منعکس کرده است: «اولین چیزی که در روز قیامت در مقابل خداوند از انسان سؤال می‌شود درباره نمازهای واجب و زکات و روزه و حج و ولایت ما اهل بیت علیهم السلام است. پس اگر کسی به ولایت ما اقرار داشته و از دنیا رفته است، نماز و روزه و زکات و حج او قبول می‌شود، اما اگر به ولایت ما اقرار نداشته، خداوند هیچ‌یک از اعمال او را نمی‌پذیرد» (همان، ج ۲۷، ص ۱۶۷).

همچنین می‌توان در این زمینه به این روایت از امام باقر علیه السلام اشاره کرد که می‌فرماید: «اگر بنده‌ای بین رکن و مقام به میزانی عبادت کند که همه بندهای بدن او جدا شود، ولی به محبت و ولایت ما اهل بیت علیهم السلام دست نیافته باشد، خداوند هرگز از او قبول نمی‌کند» (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۸۰).

علت اشتراط ولایت با پذیرش ایمان و عبادت این است که انسان کارها و اعمال شایسته را به راهنمایی و هدایت بزرگان دین انجام دهد و از مسیر خاصی که آنها بیان می‌کنند، حرکت نکند. وقتی انسان ولایت خدا و

پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ را پذیرفت، دیگر خودسرانه و با هوا و هوس کار نمی‌کند؛ زیرا اعمال نیک دارای شرایط، موانع، و مقدماتی است که اگر مطابق نظر مفسران و عالمان اصلی دین انجام نشود، عمل نیک منظور نخواهد شد.

۳-۴. شرط کمال عبادت

یکی دیگر از بایسته‌های عبادت، شروط کمال است که آن را می‌توان به دو قسم «ظاهری» و «باطنی» تقسیم کرد:

۱-۳-۴. شروط ظاهری

شروط ظاهری موجب کمال عبادت می‌شود و اموری خارجی است که بر کیفیت انجام عبادت تأثیر می‌گذارد. این امور را می‌توان این‌گونه نام برد:

الف. مداومت بر عبادت

شرطی که موجب کمال عبادت می‌شود، «پایداری بر انجام عبادت» است. امام صادق ﷺ بهترین عبادت را مداوم‌ترین آن معرفی کرده‌اند (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۱). این شرط را می‌توان از فحوای سخن رسول خدا ﷺ نیز به‌دست آورد. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «هر تازه‌کاری که در علم و عبادت رشد داشته باشد تا زمانی که بزرگ شود، خداوند در روز قیامت ثواب ۷۲ صدیق به او می‌بخشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۸۵). بی‌تردید، رشد فزاینده در علم و عبادت، جز با پشتکار و استمرار در آنها محقق نمی‌شود. بنابراین لازم است عبادت‌کننده پایمردی خود را بر انجام طاعات الهی به منصفه ظهور رساند.

ب. میانه‌روی در عبادت

از دیگر شروطی که به کمال عبادت می‌انجامد، «میانه‌روی در عبادت» است. شیخ کلینی (م ۳۲۹ق) یک باب از کتاب خود را به «میانه‌روی در عبادت» اختصاص داده است. امام صادق ﷺ سفارش کرده‌اند که «هرگز خود را برای انجام عبادت، به سختی نیفکنید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۶). امام حسن مجتبیٰ ﷺ میانه‌روی در عبادت را یکی از ویژگی‌های برجسته اخلاقی مؤمنان معرفی کرده‌اند: «از خُلق‌های مؤمن، قوت در دینداری، و کرم در نرمی، و دوراندیشی در علم، و علم در بردباری، و فراخی در نفقه، و میانه‌روی در عبادت، و دوری از طمع، و پایداری در نیکی است» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۶).

رسول خدا ﷺ نیز این سفارش را به دعوت‌گران به دین فرمودند که ورود در دین باید با نرمی و ملایمت انجام گیرد و از اجبار و اکراه در انجام عبادت پرهیز دادند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۶).

ج. مراعات قوای جسمانی

این شرط را می‌توان با استناد به پرسش سیف‌تمار از امام صادق ﷺ به‌دست آورد؛ هنگامی که درباره ارزشمندی حج پیاده یا سواره پرسید. حضرت در پاسخ فرمودند: «حج سواره از نظر من بهتر است؛ زیرا موجب می‌شود شما برای دعا و عبادت قوای بیشتری داشته باشید» (همان، ج ۴، ص ۴۵۶).

البته این سخن حضرت در صورتی است که شخص از پس هزینه کردن برای حفظ قوای جسمانی برآید و قدرت مالی داشته باشد (همان).

د. عدم تعارض با معیشت

شرط دیگری که برای کمال عبادت در نظر گرفته شده، تعارض نداشتن عبادت با کار و معیشت است. بر این اساس، وقتی امام صادق علیه السلام باخبر شدند که عمرین مسلم کار و تجارت خود را ترک کرده و مشغول عبادت شده است، فرمودند: «کسی که به دنبال روزی نمی‌رود، دعایش مستجاب نمی‌شود».

امام صادق علیه السلام در تأیید سخن خود، به ماجرای که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد، اشاره کردند که برخی اصحاب برای انجام عبادت، خانه‌نشین شدند. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از اقدام آنها آگاه شدند، آنان را سرزنش کردند و فرمودند: «کسی که این‌گونه رفتار کند، دعایش مستجاب نمی‌شود. بر شما باد طلب روزی!» (همان، ج ۵، ص ۸۴). بنابراین، انجام عبادت نباید خللی در معیشت انسان به وجود آورد.

۲-۳-۴. شروط باطنی

شروط باطنی که موجب کمال عبادت می‌شوند، عبارتند از:

الف. خشوع و سکینه

امیرمؤمنان علی علیه السلام در دو کلام جداگانه، زینت عبادت را «خشوع» (لیثی، ۱۳۷۶ق، ص ۲۷۶) و «سکینه» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹۹) دانسته‌اند که به نظر می‌رسد این سخن ایشان برگرفته از عبارت رسول الله صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «السکینه زینة العبادة» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۲۲).

ب. خفا

امام صادق علیه السلام ارزشمندترین عبادت را عملی معرفی کرده‌اند که پنهانی بجای آورده شود (طبری املی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۸۶). حضرت در سخن دیگری برتری عبادت نهان بر عبادت عیان را گوشزد کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۸). این مضمون از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نقل شده که «برترین عبادت مخفی‌ترین آن است» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۹۳).

ج. عشق

محبت و عشق به عبادت در حدیثی که امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده، منعکس گشته است. حضرت می‌فرمایند: «برترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود. پس دست در گردن آن آویزد و از صمیم دل دوستش بدارد و با پیکر خود با آن درآمیزد و خویشتن را وقف آن گرداند. پس چنین شخصی را باکی نباشد که دنیایش به سختی گذرد یا به آسانی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۳).

علامه مجلسی عشق مشاراًلیه در این حدیث را به معنای محبت فراوان و زایدالوصف به عبادت به مثابه وسیله‌ای برای تقرب به مطلوب حقیقی دانسته است. ایشان با تکیه بر این حدیث، گوشه چشمی به سخن حکمای طبیعی دارد که افزون بر اینکه عشق را نوعی جنون می‌دانند، آن را والاترین کمالات و سعادات دانسته‌اند و تقسیم عشق به مذموم و ممدوح را توجیه‌پذیر نمایانده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۸۴).

د. بزرگ نشمردن عبادت

انسان‌های مغرور عبادت خود را بزرگ و مهم می‌بینند و از این راه، دچار تباهی اعمال می‌شوند. شرط کمال عبادت آن است که عابد، عبادتش را زیاد نبیند و مغرور نشود. امام سجاده علیه السلام در دعای «مکارم الاخلاق» از خداوند چنین می‌خواهند: «خدایا، به من توفیق عبادت بده و عبادتم را با عجب تباه مساز» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۹۲). امام کاظم علیه السلام نیز این نکته را گوشزد کرده‌اند که هر قدر عبادت کنیم، نمی‌توانیم حق عبادت باری تعالی را بجا آوریم. بنابراین نباید از هیچ تلاشی در مسیر عبادت دریغ کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۲).

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌گرفته به این نتیجه دست یافتیم که از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، دو عنصر «خضوع و اطاعت»، و «قصد و نیت» سهم ویژه‌ای در ماهیت عبادت به خود اختصاص داده‌اند. این عناصر مطابق با آن چیزی است که لغت‌دانان در معنای «عبادت» ذکر کرده‌اند.

بایسته‌های عبادت در سه حوزه شرط صحت، شرط قبول و شرط کمال عبادت قابل استخراج است. شرط صحت عبادت مطابقت عمل عبادی با کتاب و سنت است. شرط قبول عبادت در گرو اخلاص و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام است.

همچنین شرط کمال عبادت به دو بخش «ظاهری» و «باطنی» تقسیم می‌شود. از شروط ظاهری کمال عبادت، مداومت بر عبادت، میانه‌روی در عبادت، مراعات قوای جسمانی و عدم تعارض با معیشت است، و خشوع و سکینه، خفا، عشق و بزرگ نشمردن عبادت از شروط باطنی کمال عبادت به‌شمار می‌روند.



منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق علی نقی فیض الاسلام، قم، هجرت.
- صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، قم، الهادی.
- مصباح الشریعه (منسوب به امام صادق علیه السلام)، ۱۴۰۰ق، بیروت، اعلمی.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی الثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهداء.
- ابن اشعث کوفی، محمد بن محمد، بی تا، *الجغفریات (الأسمعیات)*، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۴۰۹ق، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، تحقیق محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۳۹۹ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بی جا، دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار الفکر.
- ابوهلال عسکری، حسن بن محمد، بی تا، *الفروق اللغویه*، قاهره، دار العلم.
- ازهری، محمد بن احمد، ۲۰۰۱م، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، تحقیق جلال الدین محدث، چ دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق سیدمهدی رجائی، چ دوم، قم، دار الکتب الاسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیّه*، چ چهارم، بیروت، دار العلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعیه*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حلوانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۸ق، *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- ، ۱۴۱۲ق، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، شریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دار القلم و الدار الشامیه.
- راوندی کاشانی، فضل الله، بی تا، *النوادر*، تحقیق احمد صادقی اردستانی، قم، دار الکتب.
- زبیدی، محمد بن محمد، بی تا، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق مجموعه من المحققین، بی جا، دار الهدایه.
- شعیری، محمد بن محمد، بی تا، *جامع الاخبار*، نجف، مطبعة الحیدریه.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶ق، *الأمالی*، چ ششم، تهران، کتابچی.
- ، ۱۳۶۲، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ، ۱۳۷۸ق، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
- ، ۱۳۸۵ق، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی دآوری.
- ، ۱۳۹۵ق، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، تهران، اسلامیه.
- ، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، تحقیق هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.
- ، ۱۴۰۳ق، *معانی الاخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد، مرتضی.

- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، ج دوم، نجف، المكتبة الحیدریه.
- طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، ۱۳۸۳ق، *بشارة المصطفى لتسعة المرتضى*، ج دوم، نجف، المكتبة الحیدریه.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
- عریضی، علی بن جعفر، ۱۴۰۹ق، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، قم، مؤسسه آل البيت.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، رضی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۶ق، *القاموس المحيط*، ج هشتم، بیروت، مؤسسه الرساله.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزائری، ج سوم، قم، دار الكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کراجکی، محمد بن علی، ۱۳۹۴ق، *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*، تحقیق احمد حسینی، ج دوم، تهران، مرتضوی.
- ، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، تحقیق عبدالله نعمه، قم، دارالذخائر.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ق، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، ج دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، ج دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق - الف، *الإختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، ۱۴۱۳ق - ب، *الأمالی*، تحقیق حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
- ورامین ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰ق، *مجموعه ورام*، قم، مکتبه فقیه.